



من نمی ترسم!

گفته‌های شنیدنی

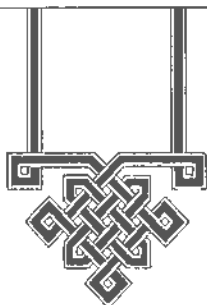
و

مطالب خواندنی

در

کشکول خاطرات ماندنی

مراد حاجی‌وندی



من نمی ترسم...!
« گفته های شنیدنی و مطالب خواندنی »

نویسنده: مراد حاجی وندی

ناشر: انتشارات لوزا

نوبت چاپ: اول

تاریخ انتشار: خردادماه ۱۳۸۳

تیراژ: ۱۵۰۰

چاپ: سپهر

قیمت: ۱۲۰۰ تومان

شابک: ۹۶۴-۹۵۷۰۲-۳-۳ ISBN: 964-95702-3-3

تمامی حقوق چاپ و نشر برای نویسنده محفوظ است

-
- انتشارات لوزا ● شیراز: خیابان کریم خان زند، نبش خیابان خیام، طبقه سوم
 - مکاتبات: شیراز - صندوق پستی ۷۱۵۵۵/۱۴۸۷
 - تلفن ۲۳۵۲۷۶۱
 - همراه ۰۹۱۷ ۳۱۳ ۱۳۹۲
 - E.mail: Looza2516 @ Yahoo.com

فهرست

۵	سخن ناشر
۷	پیش‌گفتار
۱۰	اولین شعر
۱۳	● آموزه‌های کودکی
۱۴	آنچه از قرآن آموختم
۱۶	● آنچه از مرحوم پدرم آموختم
۱۸	● من نمی‌ترسم
۲۰	تمرینات و تجربیات
۲۳	شناخت حیوانات
۲۳	پلنگ
۲۶	گراز
۲۸	گرگ
۲۹	گفتار
۳۰	خرس
۳۱	فراموش کرده بودم، یادم افتاد

- نفس اماره ۳۳
- خوانین و مالکین ۳۸
- انگیزه سرودن شعر ۴۸
- بغض گلو ۵۰
- فقیر و غنی ۵۱
- شمیم انقلاب ۵۳
- روح شفاف ۵۴
- قافله گناهکاران ۵۷
- صدای دوست پراکنده است در همه جا ۵۷
- ... کجا کجا؟! ۱۰۲
- سپیده بهمن ۱۰۳
- داستان سرگرد ۱۰۵
- گزیده اشعار ۱۱۰

سخن ناشر

... وقتی با قدم‌های آرام و استوار وارد دفتر کارم شد، احساس حضور مردی بزرگ، مرا وادار به ادای ادب و احترام نمود. حاجی‌وندی، سرگرد بازنشسته ارتش، اکنون گرد پیری بر سر و رویش نشسته، حتی ابروانش سفید شده؛ اما از غرورش کاسته نشده و هیبت‌اش دوچندان شده است.

حرف‌های گفتمنی زیادی دارد که تمامش شنیدن است. همنشینی با او آن قدر مسحورکننده است که گذر زمان را متوجه نمی‌شوی و از همکلامی با وی ملول نمی‌گردد.

با چاپ کتاب «من نمی‌ترسم...!» بدون توقف و توزیع و تعلل موافقت کردم تا ارادت خود را نشان داده باشم.

اکنون که این کتاب مهیای چاپ گردیده ، تابلوی نقاشی تصویر
حقیر را که مخلوق انگشتانش است ، برایم به ارمغان آورده است و من
متحیر مانده‌ام که این کهن مرد ، چگونه توانسته است روحیه (به ظاهر)
خشن نظامی‌گری را با لطافت و ظرافت هنرمندی پیوند بزند ؟ !
حاجی‌وندی پیرمردی است که توانسته قلم تحریر و قلم مو را در
کنار تفنگ بگذارد ...

سایه‌اش ماندگار باد
محمدجواد جعفرنژاد
مدیر مسئول انتشارات لوزا
برگ ریزان ۱۳۸۳ ه.ش

پیش‌گفتار

نویسنده کتاب «سینوهه»، پزشک مخصوص فرعون «چنین نوشته

است:

«... نام من، نویسنده این کتاب، "سینوهه" است. من این کتاب را برای مدح خدایان نمی‌نویسم؛ زیرا از خدایان خسته شده‌ام. من این کتاب را برای مدح فراعنه نمی‌نویسم؛ زیرا از فراعنه هم به تنگ آمده‌ام؛ من این کتاب را برای خودم می‌نویسم... بدون این‌که در انتظار پاداش باشم، یا این‌که بخواهم نام خود را در جهان باقی بگذارم. آن قدر از فرعون‌ها و مردم زجر کشیده‌ام که از همه چیز حتی امیدواری به تحصیل نام جاوید سیرم. من این کتاب را فقط برای این می‌نویسم که خود را راضی کنم و تصوّر می‌کنم که یگانه نویسنده‌ای باشم که بدون هیچ منظور مادی و معنوی کتابی می‌نویسم...»

اما برعکس او، من بنده خدا - مراد حاجی‌وندی - می‌دانم تنها یک خدا وجود دارد و خدایی جز او نیست که همگان می‌دانند او خدایی است توانا و

منزه، حکیم و دانا... و اگر به جای فراعنه از شاهان یا خوانین یا فرماندهان و رؤسای زورگو به تنگ آمده باشم، یا زجری کشیدم، از مردم زجری ندیده‌ام و خود را جان نثار مردم می‌دانم و این کتاب ارزشمند را به کسانی تقدیم می‌کنم که خدای عزوجل را خوب می‌شناسند و برحقیقت هم خوب آگاهند با این انگیزه ارزشمند؛ چرا که بیشتر اشعار و سخنانی که در بخش‌های مختلف این کتاب به کار رفته، الهام گرفته از آیه‌های پرارزش قرآن حکیم است.

در مقدمه می‌نویسم: من این کتاب را اول برای رضای خداوند بزرگ می‌نگارم که به ظن خود شاید قدم خیری برای آگاه ساختن جوانان برداشته باشم، و دوم برای مردم خوب کشور عزیزم، که لیاقت همه‌گونه فرمان برداری را دارند، و سوم به خاطر همسر خوب و فرزندان عزیزم.

همان گونه که خداوند توانا در سوره مبارکه «لیل» آیه چهارم فرموده است: «(قسم به این آیات الهی) که سعی و کوشش شما مردم بسیار مختلف است...»؛ با خدای خود پیمان بسته‌ام اگر به کمک پروردگار مهربان این کتاب به چاپ رسید، از درآمد فروش این کتاب، در راه خیر و صواب گام بردارم و از خوانندگان عزیز اجازه می‌خواهم که مطالبم را به گونه‌ای ساده و عامیانه و به قولی خودمانی بنویسم و ترجیح دادم در عوض این که تلاش نمایم با گفتار زیادی مطالب کتاب را به گونه‌ای بنگارم که خوانندگان عزیز خوششان بیاید، از تجاربی که روزی به‌طور حتم برای خوانندگان عزیز، به ویژه جوانان هم کاربرد خواهد داشت، استفاده کنم. و یکی دیگر از تجارب من این است که با توجه به پیشرفت سریع علم و صنعت، پرگویی جایز نیست و هرکس می‌خواهد چیزی بنویسد، بهتر است جنبه علمی و آموزشی یا

تجربی آن را ارائه دهد؛ چرا که دیگر زمان آن نیست که مردم و جوانان را با قصه‌های غیر واقعی و صفحه پرکن مشغول کرد. به همین لحاظ، با توجه به تجربه‌ای که در آموزش قرآن کریم دارم و به خاطر خدمت سی و یک ساله در ارتش جمهوری اسلامی ایران عزیز، که لازمه آن سفر و خدمت در نقاط مختلف کشور بوده است، و به دلیل این که از طفولیت علاقه زیادی به شکار و طبیعت داشته و دارم، و نیز شعرهایی هم سروده‌ام که بیشتر آنها همان گونه است که قبلاً اشاره کردم؛ بنابراین تصمیم گرفتم تجربه‌های خود را، که الهام گرفته از آیات پراهمیت قرآن عظیم است، به صورت کتابی جامع درآورم و تقدیم خوانندگان عزیز نمایم، که امیدوارم مطالعه آن برای همگان سودمند و لذت‌بخش باشد، ان شاء الله.

قبلاً از آقای محمدجواد جعفرنژاد، مدیر محترم انتشارات لوزا و آقایان حاج کاظم یاریار و حاج محمد مهدی میراب، که در چاپ این کتاب مرا یاری فرمودند، تشکر می‌نمایم.

مراد حاجی‌وندی

پاییز ۱۳۸۳ / شیراز

